



The Dream of Utopia; A Sociological Explanation of Kermanshah Youth's Tendency to Migrate

Mohammad Farhadi¹ | Mohammadreza Memarbashi² | Shiva Mansouri³

1. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of social Science, Razi University, Kermanshah, Iran.
E-mail: ma.farhadi@razi.ac.ir
2. M.A of Sociology, Faculty of social Science, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: m.memarbashi7@gmail.com
3. M.A of Sociology Student, Faculty of social Science, Razi University, Kermanshah, Iran.
E-mail: shivamansouri1378m@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 26 August 2024
Received in revised form 29 September 2024
Accepted 10 March 2025
Published online 9 April 2025

Keywords:

Emigration, utopia,
Kermanshah, low wages,
future stress

ABSTRACT

The central issue of this paper is to study why the youth of Kermanshah city tend to migrate. The research approach is exploratory and accordingly, the grounded theory method has been used to collect and analyze data. Since migration is more common among skilled youth, the research samples have been selected based on different occupations and skill trades. Data were collected through in-depth interviews and data analysis was conducted based on three stages of open, axial, and selective coding. According to the results of the analysis, the most important cause of migration is the "economic" situation, and the most important concepts of this category are "low wages," "inflation," "instability" and "future stress." This category affects other research categories, including "politics" and "perception of Iran," and the interviewees evaluate both as ineffective and declining. This situation, along with the "perception from the outside," evokes a brain and skills drain approach that has been exacerbated by Iran's domestic conditions. The category of "purpose of migration" justifies the importance of the economic factor in the development of the idea of migration as a utopian idea and a critical assessment of other established relationships.

Cite this article: Farhadi, M., Memarbashi, M., & Mansouri, Sh. (2025). The Dream of Utopia; A Sociological Explanation of Kermanshah Youth's Tendency to Migrate . *Sociological Review (Social Science Letter)*, 32 (1), 267-287.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.380354.1992>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.380354.1992>

رؤیای آرمان شهر؛

تبیین جامعه‌شناختی تمایل جوانان کرمانشاه به مهاجرت^۱محمد فرهادی^۱ | محمد رضا معمارباشی^۲ | شیوا منصوری^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: ma.farhadi@razi.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: m.memarbashi7@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: shivamansouri1378m@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ کلیدواژه‌ها: مهاجرت، اتوپیا، کرمانشاه، دستمزد پایین، استرس آینده	مسئله مرکزی مکتوب حاضر مطالعه‌ی چرایی تمایل جوانان شهر کرمانشاه به مهاجرت است. رویکرد پژوهش اکتشافی است و بر همین اساس از روش نظریه‌ی زمینه‌ای برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده کرده‌است. از آنجا که مهاجرت میان جوانان صاحب مهارت رواج بیشتری دارد، نمونه‌های تحقیق بر اساس مشاغل مختلف و اصناف مهارتی انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها بر اساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. بر اساس نتایج تحلیل، مهمترین علت مهاجرت وضعیت «اقتصادی» است و مهمترین مفاهیم این مقوله نیز «دستمزد پایین»، «تورم»، «بی‌ثباتی» و «استرس آینده» است. این مقوله سایر مقولات تحقیق از جمله «سیاست» و «تلقی از ایران» را تحت تأثیر قرار داده و مصاحبه‌شوندگان هر دو را ناکارآمد و رو به اضمحلال ارزیابی می‌کنند. این وضعیت در کنار «تلقی از خارج» رویکرد زهکشی مغزا و مهارت‌ها را تداعی می‌کند که با شرایط داخلی ایران تشدید شده است. مقوله «هدف از مهاجرت» اهمیت عامل اقتصادی در تکوین ایده مهاجرت به عنوان ایده‌ای اتوپایی و ارزیابی سرزنش‌آمیز از سایر مناسبات مستقر را توجیه می‌کند.

استناد: فرهادی، محمد؛ معمارباشی، محمد رضا؛ و منصوری، شیوا (۱۴۰۴). رؤیای آرمان شهر؛ تبیین جامعه‌شناختی تمایل جوانان کرمانشاه به مهاجرت، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۲ (۱)، ۲۶۷-۲۸۷.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.380354.1992>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. این مقاله حاصل طرحی پژوهشی است که به سفارش و حمایت مالی «اداره کل ورزش و جوانان استان کرمانشاه» انجام شده است.

طرح مسأله

مهاجرت به ندرت تصمیمی کاملاً فردی است و تحت تأثیر مناسبات اجتماعی و اقتصادی محیط دور و نزدیک آدمیان صورت می‌گیرد. این مناسبات نیز به واسطه درهم تنیدگی پدیده‌های سطوح محلی، ملی و بین‌المللی تعیین می‌شوند که خود پاره‌ای از تصویری بزرگتر در نظم جهانی هستند. کشورهای پیرامون عموماً مهاجرفرست و کشورهای مرکز، مهاجرپذیر هستند. مهاجرت به مثابه رؤیا-صنعت، شیوه نوین انباشت سرمایه در کشورهای مرکز است که متغیرهای داخلی کشورهای مهاجرفرست آن را تشدید و زهکشی مغزا از کشورهای پیرامون را تسهیل می‌کند. ایران به واسطه‌ی موقعیت پیرامونی از کشورهای مهاجرفرست محسوب می‌شود که بحران‌های اقتصادی سال‌های اخیر آن را تشدید کرده است.

جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا بر اساس آخرین آمار موجود قابل استناد در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱/۸ میلیون نفر است که ۲/۲۳ درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد، در حالی که جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا در سال ۱۹۹۰ میلادی، بالغ بر ۸۲۰ هزار نفر بوده و طی ۳۰ سال گذشته، جمعیت مهاجران ایرانی ۲/۲ برابر شده است (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۲۶).

کرمانشاه به عنوان شهری پیرامونی در ایران از این پدیده برکنار نمانده و از استان‌های مهاجرفرست محسوب می‌شود. طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ حدود ۱۱۹ هزار نفر از استان مهاجرت کرده‌اند (آمایش استان، ۱۳۹۷). این رقم طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بیش از ۳۸ هزار نفر بوده (ادهمی و همکاران، ۱۳۹۸) و در فاصله سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ بیش از ۳۴ هزار نفر برآورد شده است (آمایش استان، ۱۳۹۷). آماری از مهاجرت جوانان کرمانشاه به خارج از کشور وجود ندارد اما انتظار می‌رود در سال‌های اخیر موج جدیدی از مهاجرت جوانان در این استان شکل بگیرد.

از نظر شاخص‌های توسعه کرمانشاه رتبه بیستم را در ایران دارد (فرهادی و میری، ۱۴۰۲) و نرخ بیکاری در آن از سال ۱۳۵۵ همواره بیشتر از میانگین کشوری بوده است (احمدی، ۱۴۰۲). نرخ تورم کرمانشاه در اردیبهشت ۱۴۰۲ بالاتر از میانگین کشوری (۴۹ درصد) و بیش از ۵۴ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). در شاخص فلاکت کرمانشاه با ۶۴/۵ درصد در رتبه دوم قرار داشته است (اکوایران، ۱۴۰۲). با این اوصاف وضعیت اقتصادی استان پیش‌گوی خیزش موج مهاجرت است و در بلندمدت می‌تواند پیامدهای مهیبی برای استان داشته باشد. از آنجا که جوانان با مهارت و دارای قابلیت، امکان مهاجرت بیشتری دارند مخاطره مهاجرت برای کرمانشاه بیشتر نیز می‌شود.

بر این اساس، مسأله‌ی مرکزی مکتوب حاضر فهم چرایی مهاجرت جوانان شهر کرمانشاه است. سوال اصلی مقاله بر این استوار است که چه دستگاه مفهومی عمل مهاجرت را برای جوانان شهر کرمانشاه توجیه می‌کند؟ در این راستا پس از استخراج منظومه نظری، نسبت عناصر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان تصویری از دلایل مهاجرت جوانان کرمانشاه به دست داد.

مبانی نظری

در تحقیقات کیفی محقق با ذهنی باز به سراغ کشف و فهم موضوع می‌رود اما با ذهنی خالی با موضوع مواجه نمی‌شود. مباحث تئوریک در این گام از تحقیق چارچوب کلان مواجهه با داده‌ها و بازخوانی آن‌ها برای کشف دلالت‌های نهفته است. از این منظر تنها دسته‌بندی کلان رویکردها به موضع مهاجرت برای تأمین منظور این پژوهش کفایت می‌کند. مجموعه نظریات موجود در توضیح مهاجرت را می‌توان ذیل دو پارادایم دسته‌بندی کرد؛ پارادایم کارکردگرایی و پارادایم تاریخی-ساختاری (Haas et al, 2020: 44).

پارادایم کارکردگرایی جامعه را به مثابه یک سیستم، مجموعه عوامل درهم‌تنیده‌ای از کنشگران می‌داند که در تعادل و سازگاری با هم یک نظام منسجم را پدید می‌آورند. این رویکرد مهاجرت را پدیده‌ای مثبت می‌داند که در خدمت افزایش رضایت اعضای جامعه است و به افزایش تولید و برابری بین جوامع، توزیع عادلانه درون یک جامعه و تعادل نظم جهانی منجر می‌شود.

این رویکرد که وجه اقتصادی آن غالب است، کلاسیک‌هایی مانند آدام اسمیت (۱۷۷۸) که مهاجرت را معلول عدم تعادل نیروی کار دو منطقه می‌دانست تا هیکس^۱ (۱۹۳۲) که مهمترین علت مهاجرت را تفاوت دستمزدها معرفی می‌کند (Chiswick, 2015: 5) را در بر می‌گیرد. کسانی مانند شاستا^۲ (۱۹۶۲) معتقدند عامل اصلی مهاجرت، جستجوی بازار پربازده از سوی صاحبان مهارت است. این مدل که صورت اولیه نظریه جاذبه و دافعه است چند مفروض چالش‌برانگیز دارد؛ اول اینکه این مدل تنها مهاجرت را توضیح می‌دهد و کسانی که در شرایط مشابه دست به مهاجرت نمی‌زنند از این مدل بیرون می‌مانند، ضمن اینکه تعدد مهاجرت از سوی یک گروه را درک نمی‌کند. دوم اینکه واحد تحلیل او فرد است و مناسبات اجتماعی و سیاسی مؤثر بر کنش فرد را توضیح نمی‌دهد. سوم اینکه جاذبه و دافعه در این رویکرد متفارن دیده می‌شوند و میزان تأثیر جاذبه و دافعه مشخص نیست (Ibid, 12).

رویکرد تاریخی-ساختاری به جای تعبیر نئوکلاسیک از مهاجرت به مثابه سازوکار بیشینه‌سازی، مهاجرت را سازوکار استثمار می‌داند. این نظریه کنترل و استثمار نیروی کار از سوی دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ را در راستای حفظ نظام سرمایه‌داری ارزیابی می‌کند. کارکردگرایی نقش دولت در مهاجرت را میانجی می‌داند اما نظریه تاریخی-ساختاری دولت و شرکت‌های چندملیتی و آژانس‌های کارایی را عامل اصلی مهاجرت ارزیابی می‌کند که هدف اصلی آن تضمین، سود خودش است (Haas et al, 2020: 48). در این رویکرد مهاجرت تجلی سرمایه‌داری، امپریالیسم و نشانه‌ی نابرابری در رابطه‌ی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است. مهاجرت مکانیسم تأمین نیروی کار ارزان است و به عنوان مکانیسم تأمین نیروی کار، میراث استعمار گذشته و نتیجه مناسبات نابرابر ساختاری بین کشورهاست. در این نظریه مهاجرت انتخابی فردی و آزادانه نیست بلکه حاصل مناسبات ساختاری فراتر از افراد آن‌ها را به این مسیر هدایت می‌کند.

نظریه نظام جهانی والرشتاین (۱۹۷۴)، نظریه جهانی‌سازی و نظریه‌ی زهکشی مغزها از مهمترین تبیین‌های مهاجرت در پارادایم تاریخی-ساختاری هستند. در مدل تئوری نظام جهانی منشا مهاجرت‌های بین‌المللی اغلب به عدم تعادل‌های نهادی و بخشی نظام سرمایه‌دای جهانی مربوط می‌شود. در این نگرش نیروی کار در سه قلمرو جغرافیایی مرکز، پیرامون و نیمه‌پیرامون جا می‌گیرند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). از نظر والرشتاین نظام سرمایه‌داری نیازمند انباشت سرمایه است و این هدف موجب جذب منابع کشورهای پیرامون به مرکز می‌شود. طبق این نظریه مهاجرت معلول ماهیت و ساختار در حال گسترش بازار جهانی است. این امر نتیجه طبیعی جدایی و جابه‌جایی است که به طور اجتناب‌ناپذیری در فرایند توسعه سرمایه‌داری اتفاق می‌افتد. ریشه این پدیده به نوعی مرتبط با عدم توازن در انباشت سرمایه و درجه توسعه است (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶).

نظریه جهانی‌سازی، مناسبات درهم‌تنیده‌ی اقتصاد جهانی را نه فرایندی طبیعی و خودانگیخته که ناشی از نظم مبتنی بر تضمین انباشت سرمایه در مرکز جهانی ارزیابی می‌کنند (ن.ک. Haas et al, 2020: 51-52). بنابراین جهانی‌سازی به عنوان یک ایدئولوژی توسعه که بر اهمیت آزادسازی بازار، خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی به عنوان دستورالعمل‌های توسعه تأکید می‌کند. نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، ابزارهای کلیدی در تلاش برای تحمیل این نظم جهانی اقتصادی نئولیبرالی جدید، به عنوان مثال از طریق برنامه‌های تعدیل ساختاری، بر کشورهای فقیر و ضعیف هستند.

پیشینه تحقیق

بزرگ‌زاد، کاظمی‌پور و محسنی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی موثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور» از روش تحقیق ترکیبی (کیفی-کمی) استفاده کرده‌اند. در بخش کیفی عمده‌ترین عوامل و مشکلات برشمرده توسط پاسخگویان در مورد تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور عبارت‌اند از: مشکلات مراکز علمی پژوهشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، برنامه‌ریزی قانونی و زیر ساخت‌های ارتباطی و فناوری. براساس نظریه‌های «جاذبه، دافعه» اورت لی و پرتز «الگوی جهان‌گرایی» جانسون و «نظریه‌های دوگانگی ساختاری»، «بحران منزلتی» و «سرمایه انسانی»، عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان در بخش کمی، بعد از تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی، عوامل اجتماعی و علمی (موانع) در مبدأ، عوامل علمی و اجتماعی در مقصد و عوامل مداخله‌گر در مقصد بر تمایل نخبگان به مهاجرت خارج از کشور بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

رصد خانه مهاجرت ایران (۱۴۰۰)، پژوهشی را تحت عنوان میل و تصمیم به مهاجرت درمیان اقشار مختلف جامعه ایران انجام داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در همه گروه‌های مورد مطالعه تراز شاخص میل به مهاجرت بیش از ۴۰ درصد بوده است و تمایل به مهاجرت در بین پزشکان و پرستاران و بعد از آن اساتید و محققان بیش‌تر است. تنها ۷ تا ۱۱ درصد افراد در همه گروه‌ها تمایل «خیلی کم» به مهاجرت دارند. بیش از ۷۰ درصد پزشکان و ۶۰ درصد دانشجویان تأثیر عوامل بیرونی را در تمایل به مهاجرت خود بسیار زیاد دانسته‌اند. اساتید و پژوهشگران ۸۱ درصد و فعالین استارت‌آپ نیز ۵۵ درصد تمایل خود به مهاجرت را تحت تأثیر عوامل بیرونی خیلی زیاد دانسته‌اند. ۷۳ درصد پزشکان و ۵۹ درصد دانشجویان اثرات تورم را بر تمایل به مهاجرت خود زیاد دانسته‌اند و فقط ۳ درصد از اساتید و ۴ درصد از فعالین استارت‌آپ اثر تحولات اقتصادی را در تصمیم خود برای مهاجرت، خیلی کم یا بی‌اثر عنوان کرده‌اند.

آزادی و میررمضانی (۲۰۲۰)، مقاله‌ای را تحت عنوان «مهاجرت و فرار مغزها در ایران» انجام داده‌اند. تجزیه و تحلیل بر اساس یک مجموعه داده گردآوری شده از آمار منتشر شده توسط دولت‌های ملی و آژانس‌های بین‌المللی صورت گرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که تعداد کل مهاجران ایرانی‌الاصل از حدود نیم میلیون نفر قبل از انقلاب ۱۹۷۹ به ۳/۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است که به ترتیب معادل ۱/۳ درصد و ۳/۸ درصد جمعیت کشور است. به طور کلی، کشورهای مقصد برای مهاجران ایرانی شامل ایالات متحده، کانادا، آلمان و بریتانیا هستند. پس از انقلاب طی دو دهه مهاجرت رو به کاهش داشته است تا اینکه در دهه ۸۰ روند صعودی یافته و تا سال ۱۳۹۰ حدود ۱۳۰ هزار دانشجو به خارج مهاجرت کرده‌اند. پیش‌زمینه‌های مهاجرت عبارتند از: درآمد سرانه کمتر در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته، سرکوب اجتماعی و سیاسی، نقض حقوق بشر، و آزار و اذیت مذهبی، کیفیت پایین آموزش نسبت به کشورهای توسعه یافته، افزایش تحرک نیروی کار، شهرنشینی، فردگرایی و سکولاریسم.

تحقیقات موجود عموماً با نظریات جاذبه و دافعه مهاجرت را توضیح داده‌اند. آشکار است که داده‌های موجود این تحلیل را تقویت می‌کنند اما توضیح مناسبات کلان چنین وضعیتی مغفول به‌جا مانده که البته به صرف تکیه بر داده قابل مشاهده نخواهد بود و رویکرد نظری برای تحلیل آن ضروری است. در این مکتوب توجه به این تحلیل وجه افتراق آن با نوشته‌های مشابه است.

روش تحقیق

روش و مسأله تحقیق در تناظر با هم قرار دارند و از آنجا که مسأله‌ی تحقیق وجهی اکتشافی دارد، نظریه زمینه‌ای مناسب‌ترین روش برای این پژوهش است. در این روش گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند و توصیف فربه‌شکلی از تبیین است (اشتراوس و کرین، ۱۳۹۶: ۳۴). داده‌های تحقیق با مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته فراهم آمده و فرایند تحلیل طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است.

در کدگذاری باز گزاره‌های مهم متن تفکیک شده، از طریق کدگذاری محوری مفاهیم متن و با کدگذاری گزینشی مقولات استخراج شده‌اند. جمعیت نمونه جوانان ۱۵ تا ۳۵ ساله شهر کرمانشاه بوده‌اند و نمونه‌گیری بر اساس مسأله‌ی تحقیق از اصناف و گروه‌های شغلی انجام شده‌است. اعتبار تحقیق متکی بر نمونه‌گیری نظری و توصیف فربه قرار دارد. به اقتضای روش کیفی، بخشی از اعتبار تحقیق پس از عرضه‌ی نتایج به صاحبان نظر و تأیید آن‌ها تأمین می‌شود. مشخصات نمونه‌های مورد مطالعه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: نمونه‌ها و مؤلفه‌های زمینه‌ای

ردیف	جنس	سن	تاهل	تحصیلات و رشته	شغل	محل سکونت	درآمد (میلیون تومان)
۱	مرد	۲۲	مجرد	کارشناسی عمران	نوازنده	مدرس	۳
۲	زن	۱۹	مجرد	کارشناسی بهداشت	بیکار	خوابگاه	-
۳	مرد	۱۶	مجرد	دبیرستان تجربی	بیکار	الهیة	-
۴	زن	۳۱	مجرد	ارشد پرستاری	پرستار	الهیة	۱۵
۵	مرد	۳۰	مجرد	کارشناسی مدیریت	خدماتی	برق	۸
۶	مرد	۲۰	مجرد	کارشناسی برق خودرو	باشگاه‌دار	الهیة	۵۰
۷	زن	۱۹	مجرد	دبیرستان تجربی	بیکار	مسکن مهر	-
۸	مرد	۳۴	مجرد	دیپلم انسانی	مغازة دار	نوبهار	۱۰
۹	زن	۲۸	متاهل	کارشناسی حسابداری	حسابدار	الهیة	۸
۱۰	مرد	۳۵	مجرد	دکترای روانشناسی	روانشناس	فرهنگیان ۲	۲۳
۱۱	زن	۳۴	مجرد	دکترای جامعه‌شناسی	کارمند	کاشانی	۱۴
۱۲	زن	۳۲	متاهل	مهندسی صنایع	کارمند	مرکزی	۱۶
۱۳	مرد	۲۲	مجرد	کارشناسی مکانیک	بیکار	کند	-
۱۴	زن	۳۵	متاهل	ارشد فیزیک	معلم	فرهنگیان ۲	۱۲
۱۵	زن	۲۹	مجرد	کارشناسی فلسفه	پرستارموقت	خیام	-
۱۶	زن	۲۱	مجرد	کارشناسی مشاوره	بیکار	باغ نی	-
۱۷	زن	۲۰	مجرد	کارشناسی مشاوره	کاردانشجویی	خوابگاه	۳
۱۸	مرد	۲۸	متاهل	ارشد حقوق	بازاری	جوانشیر	۲۵
۱۹	زن	۲۸	مجرد	کارشناسی نرم افزار	فروشنده	زیبا شهر	۹
۲۰	مرد	۳۵	متاهل	کارشناسی حسابداری	بازاری	مصدق	۳۰
۲۱	مرد	۱۸	مجرد	دبیرستان انسانی	کارگر	رشیدی	۷
۲۲	زن	۳۱	مجرد	دیپلم انسانی	عمده فروش	شهناز	-
۲۳	مرد	۲۹	مجرد	کارشناسی معماری	پارکینگ دار	سرچشمه	۱۶
۲۴	مرد	۲۹	مجرد	کارشناس حسابداری	ارایشگر	زیبا شهر	۶
۲۵	مرد	۲۸	مجرد	ارشد پرستاری	استاد/ پرستار	نوبهار	۱۷
۲۶	مرد	۳۴	متاهل	دکترای فلسفی	استاد دانشگاه	۲۲ بهمن	۳۰
۲۷	مرد	۲۹	مجرد	کارشناسی دارو سازی	آزمایشگاه	مسکن	۱۸
۲۸	مرد	۳۵	متاهل	دکترای داروسازی	استاد دانشگاه	مرکزی	۲۵
۲۹	مرد	۳۲	مجرد	کارشناسی عمران	فنی کار	پردیس	۸
۳۰	مرد	۲۲	مجرد	کارشناسی زبان	بیکار	سعدی	-
۳۱	مرد	۲۰	مجرد	هنرستان نرم افزار	بیکار	کسرا	۴
۳۲	زن	۱۶	مجرد	هنرستان عکاسی	تتو کار	نوبهار	۴
۳۳	زن	۱۶	مجرد	هنرستان برنامه نویسی	بیکار	کسرا	-
۳۴	زن	۱۶	مجرد	هنرستان عکاسی	عکاسی	نوبهار	-

یافته‌های تحقیق

برای تحلیل، پس از استخراج گزاره‌های با مضامین مشترک ذیل مفاهیم و مقولات در قالب جدول، معنا و دلالت مستقل هر مقوله توضیح داده می‌شود. سپس هر مقوله در ارجاع به مقوله پیش از خود مورد تحلیل قرار می‌گیرد و به همین ترتیب تا انتهای تحقیق

معنای مقولات روشن‌تر و گسترده‌تر می‌شود تا در بخش «تبیین»، دلالت مشترک داده‌های تحلیل شده برای توضیح مسأله‌ی تحقیق معرفی می‌شود.

ترتیب مقولات تحقیق و همچنین ترتیب مفاهیم ذیل هر مقوله به شکلی چیده شده که در امتداد هم به یک زنجیره‌ی استدلالی برای توضیح تمایل جوانان کرمانشاه به مهاجرت سامان می‌دهند. به این ترتیب مرور گزاره‌ها و مفاهیم و مقولات بدون ارجاع به تحلیل‌ها می‌تواند خواننده را به تحلیلی خودبسنده از مسأله‌ی تحقیق برساند.

مقوله‌ی اول: تلقی از ایران

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به اینکه «چرا به فکر مهاجرت افتاده‌اید؟» توصیفی از وضع موجود محیط اطراف به دست می‌دادند که می‌توان آن را زمینه‌ی مهاجرت تلقی کرد. مجموعه توصیفات پاسخگویان و در واقع برداشت آن‌ها از واقعیت را ذیل چند مقوله دسته‌بندی کرده‌ایم که در گام بعد معرفی خواهند شد. بخشی از این توصیفات به وضعیت کلان ایران اشاره داشت که آن را ذیل مقوله‌ی تلقی از ایران دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۲: گزاره‌ها و مفاهیم مقوله‌ی تلقی از ایران

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
تلقی از ایران	فقدان شایسته‌سالاری	در ایران اگر بفهمند کار بلد، لهات می‌کنند. در ایران پارتی‌بازی کار را جلو می‌برد نه زحمت و تلاش. در ایران برای کار ارزش قائل نیستند. کسی که تلاش می‌کند با کسی که تلاش نمی‌کند فرقی ندارد. اینجا همه چیز باب میل دلال‌ها و دزدهاست. در ایران منزلت آدم حفظ نمی‌شود.
	نابرابری	اینجا اگر پول داشته باشی مسیر موفقیت هموارتره. ایران یعنی تبعیض و نابرابری. همه امکانات توی تهرانه.
	ناکارآمدی	بچه در ایران زندگی رو یاد نمی‌گیره. مدرسه خوب، تربیت درست، فرهنگ صحیح نداریم. به دنیا آوردن فرزند اینجا خیانتته. چیزهای خیلی ساده اینجا شده حسرت.
	عدم امکان برنامه‌ریزی	اینجا برنامه‌ریزی برای آینده ممکن نیست. در ایران به ایده‌آل‌هایم نمی‌رسیم. اینجا زندگی سیرکردن شکمه، پرورش استعداد ممکن نیست. همه ناامیدند و هیچی بدتر از ناامیدی نیست.
	بی‌ثباتی	به دلیل نوسان زیاد کارم به سود نرسید. شب می‌خوابی، صبح پا می‌شی می‌بینی از همه چیز عقب افتادی. در ایران ثبات وجود ندارد. زندگی در ایران همه‌اش استرسه. از بی‌ثباتی خیلی عذاب می‌کشم.
تلقی از ایران	محدودیت	محدودیت دخترها در ایران زیاد است. اینجا خودم را سانسور می‌کنم.

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
تلقی از ایران		اینجا سانسور زیاد است. ما که سختی می‌کشیم در هر حال، اون‌ور حداقل می‌فهمی زندگی چیه. اینجا فضای تفریح و تخلیه فراهم نیست. دخترها نمی‌توانند بروند استادیوم. فضای ایران پلیسی است. بعضی چیزها را دیر به‌دست بیاوری لذتی ندارد. اینجا برای مذهب آدم هم سوءظن هست. به نوشیدنی الکلی دسترسی نداریم. از ترس پلیس سگم رو شب‌ها می‌برم پیاده‌روی.
	فقدان تخصص‌گرایی	در خارج، ارزش حیوان بیشتر از ارزش انسان در ایران است. این شرایط ایران مطلوب من نیست. شغلم با تحصیلاتم مرتبط نیست. اینجا از زندگی لذت نمی‌بری. ادامه تحصیل در ایران ارزش ندارد. کار علمی اینجا اتلاف عمره. در ایران علم ارزش و احترام ندارد. اینجا درس می‌خوانی ولی چشم‌اندازی نیست. مملکت دست دلال‌هاست. احساس مفیدبودن ندارم چون به حرف ما گوش نمی‌دهند.
	تبعیض	همینکه پدر من فقیر و پدر دوستم پولداره این تبعیضه. اگر سهمیه داشته باشی موفق می‌شوی. بین افراد عادی و سهمیه‌دار تبعیض زیاد است. ایران یعنی تبعیض و نابرابری. اینجا رابطه مهم‌تر از ضابطه است.
	فقدان امید به آینده	اینجا به‌جای پیشرفت، پسرفت می‌کنی. آینده روشنه اما به عمر ما نمی‌رسه. آینده کشور را بحرانی می‌بینم. اینجا آینده نامعلوم است. اینجا امید به زندگی ندارم. اینجا به ازدواج هم نمی‌شه فکر کرد.
ضعف فرهنگی	ضعف اقتصادی	قدرت خرید خیلی پایین آمده. اینجا باید مواظب باشی اموالت به‌روز باشد. تورم روزانه بالا می‌رود، حقوق سالانه تعیین می‌شود. دستمزدها عادلانه نیست و کفاف زندگی را نمی‌دهد. نابرابری دستمزدها آدم را دلسرد می‌کند. ارزش پول کم می‌شه و کاری هم نمی‌تونیم بکنیم. وقتی کار می‌کنی ولی دستمزدت کفاف زندگی رو نمی‌ده احساس مفیدبودن نداری. اگر پول داشته باشیم ایران سرمایه‌گذاری نمی‌کنم.
		من مخالف حجاب اجباری هستم. ایران با ورود اسلام بسته‌تر شد. گرانی‌ها به‌خاطر خود مردم است. دوست ندارم بچ‌ها ام ایران به دنیا بیاد.

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
		ایران یعنی تزویر و دروغ. ۴۰ ساله فرهنگ غلط بر ایران حاکمه. با ارزش‌ها غالب همخوانی ندارم. فرهنگ کل ایران ضعیفه. دروغ مردم و مسئولین رو دربر گرفته. اینجا باید نقاب بزنی و نقش بازی کنی.
	وطن ایده‌آل	تمدن قبل از اسلام در ایران قوی‌تر بود. مردم ایران با فرهنگ هستند و صمیمی. حتی شده پناهنده بشوم می‌روم. با ایران مشکلی ندارم. به ایران قبل از اسلام تعلق دارم. به خاک ایران تعلق دارم. وضع اقتصادی من از وطن مهم‌تره.
	وطن تحقق‌یافته	زندگی اینجا اتلاف عمر است؛ بهره ندارد. به ایران وابستگی دارم ولی دلخوشی ندارم. خارج هم معلوم نیست چی می‌شه ولی از اینجا بهتره. وطن باید سطحی از رفاه رو تأمین کنه تا وطن باشه. هر جایی بتوانی خوشبخت باشی وطن اونجاست. به وطن تعلق ندارم. وطن برای شکم گرسنه بی‌معناست. وقتی قسط و قرض داری به وطن فکر نمی‌کنی. ایران جای زندگی نیست. خودم به تعلقاتم اولویت دارم. کسی که برای خودش ارزش قائل باشه از ایران می‌ره. ایران کشور منه ولی می‌دونم با مهاجرت خوشبخت می‌شم. معنای وطن در سنین مختلف متفاوته.

مصاحبه‌شوندگان وطن تاریخی را می‌ستایند و به آن تعلق خاطر دارند اما وطن تحقق‌یافته را سرزنش می‌کنند. نابرابری، احساس تبعیض، ناکارآمدی و عدم‌تخصص‌گرایی از دلایل انتقاد به مفهوم وطن محقق است. به نظر می‌رسد پاسخگویان دو معنای وطن تاریخی و وطن سیاسی را از هم تفکیک کرده‌اند.

تلقی پاسخگویان این است که نهادهای تربیتی، آموزشی و فرهنگی توان بازتولید مناسبات مطلوب را ندارند که یکی از دلایل آن فقدان تخصص‌گرایی در نهادهای اجتماعی و سیاسی ایران است. بر این اساس، عدم بهره‌گیری از متخصصین برای تمهید مناسبات عملی جامعه، یکی از دلایل ناکارآمدی است و عدم‌تخصص‌گرایی نیز معلول فقدان شایسته‌سالاری در مناسبات جاری و نقش‌ها و نهادهای اجتماعی است. بی‌ثباتی عموماً با وضعیت اقتصادی توضیح‌داده می‌شود که توان برنامه‌ریزی را از فرد می‌گیرد و لذا احساس بی‌قدرتی و عدم کنترل بر فرایند زندگی را افاده می‌کند. مجموعه این عوامل در توصیفات افراد از هنجارهای جاری دیده می‌شود؛ فقدان شایسته‌سالاری به دروغ دامن زده و منظومه‌ای از ارزش‌ها پدید آورده که افراد تعلق به آن ندارند.

مقوله‌ی دوم: سیاست

منظومه‌ای از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان را می‌توان ذیل مقوله‌ی سیاست تحلیل کرد. گزاره‌های ذیل در توصیف سیاست مستقر بیان شده و تنها با میانجی سایر مقولات می‌تواند به عنوان دلیل مهاجرت تلقی شود. مصاحبه‌شوندگان اوصاف سیاست مستقر را در نسبت با خود توضیح می‌دهند که حاکی از فاصله‌ی سیاست با جامعه است. غلبه سیاست بر حوزه زندگی دلالت دیگر مقوله‌ی سیاست است که بخشی از نارزاییتی پاسخگویان را توضیح می‌دهد.

جدول ۳: گزاره‌ها و مفاهیم مقوله‌ی سیاست

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
سیاست	انسداد سیاسی	ساختار حکومت ایران محدود کننده است. این شیوه حکومت مطلوب نیست. همه چیز با دین توجیه می‌شود حتی کشتن جوانان. مشکل از پیوند دین و سیاست است. با ساختار مخالف هستم و تغییر افراد مهم نیست. سنگ‌اندازی زیاد است.
	فقدان آزادی بیان	سرکوب شدید است، اعدام و زندان و ... آزادی نداریم. اینجا نمی‌تونی حرفت رو بزنی. اینجا احساس محدودیت می‌کنم. نظرت رو نمی‌تونی راحت بگی. سیاست خارجی ایران آدم رو به مهاجرت ترغیب می‌کنه.
	امنیت	قربانی زورگیری هم بوده‌ام. تا حدودی احساس امنیت دارم. امنیت هست ولی امنیت اقتصادی نداریم. در این وضعیت [اقتصادی] امنیت هم از دست می‌رود.
	انحصارگرایی در سبک زندگی	اینجا همیشه یکی هست توی زندگی دخالت کنه. حجاب ما فرهنگی نیست سیاسیه. با فرهنگ دولتی مخالفم. اینجا به حجاب گیر می‌دهند. در زمینه‌ها تفریح هم سیاست محدودیت درست کرده. اینجا دختر نمی‌تونه موتور و دوچرخه سوار بشه. در کشور محدودیت زیاده (ماه رمضان مثلاً) اینجا فضا برای کار هنری وجود ندارد.
سیاست	ساختار سیاسی مطلوب	می‌خواهم پسر شاه برگردد. با نوع حکومت مشکل دارم دموکراتیک باید باشه. حکومت باید دموکراتیک باشد. عیسی به دین خود، موسی به دین خود! یک حکومت آزاد را ترجیح می‌دهم. حکومت باید تغییر کنه.
	نفی تکثر	آزادی مذهبی نداریم. آزادی بیان نداریم.

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
		فرزندان ایتارگران کار دارند ما نداریم. اعضای بسیج در هر جا به بقیه ارجحیت دارند. اینجا به مذهب ما سوءظن دارند و گیر می‌دهند.
	فقدان تخصص ناکارآمدی	مدیران متخصص نیستند اغلبشان فقه خوانده‌اند. مسئولین صادق نیستند و دروغ می‌گویند. شرایط اقتصادی و سیاسی به هم پیوند خورده‌اند. این وضعیت حاصل ۴۴ سال برنامه‌ریزی اشتباه است. هر سخنرانی روی قیمت دلار تأثیر می‌گذارد. بازار اقتصادی بی‌ثبات خیلی به من ضرر رسانده. سیاست‌های موجود جوابگوی جامعه نیست.
	ساختار معیوب	مشکل ساختار موجود است تغییر افراد هم چیزی را عوض نمی‌کند. سیاست در ایران بر همه چیز سلطه دارد. دولت فشار روی خودش را به مردم منتقل می‌کند. با شرایط حاکم مشکل دارم [چون من را به رسمیت نمی‌شناسد] همه سیاست‌زده شده‌ایم. در جوانی آزادی برایم مهم بود ولی الان اقتصاد مهمتر است. شیوه حکمرانی را قبول ندارم. شرایط سیاسی روی میل به مهاجرت مؤثره. مشکل سیاسی بقیه مشکلات را تشدید می‌کند. اگر اقتصاد درست شود فرهنگ هم درست می‌شود.
	فاصله حکومت با جامعه	محدودیت‌های ایران زیاد است. در اعتراضات جان جوان‌ها برای سیاست مهم نبود. اگر از سیاست جلوتر حرکت کنی مانع میشه. برخورد با اعتراضات اخیر انگیزه مهاجرت من را بیشتر کرد. به نهادها و مسئولین اعتماد ندارم [چون هدف برنامه‌هایشان رفاه مردم نیست] دین اسلام خوبه اما این تفسیر ازش خوب نیست. الان صاحبان قدرت هم تعلق به ایران ندارند. به نهادهای سیاسی اعتماد ندارم.

پاسخگویان سیاست مستقر را محدود و مسدود می‌دانند که تکرار نفی می‌کند و به همین دلیل سیاست‌ها را در راستای اهداف زندگی خود نمی‌بینند. جوانان مورد مطالعه فکر می‌کنند این شکل از سیاست در صدد تحمیل سبک زندگی و کردار اجتماعی خاصی به آن‌هاست که سازگار با تغییرات عینی جامعه نیست و به فاصله پرنشدنی میان جامعه و حکومت و در نهایت به ناکارآمدی سیاست منجر شده تا جایی که به شکل و قالب حکومت جایگزین هم فکر می‌کنند.

به دلیل فقدان آزادی بیان، امکان مشارکت سیاسی وجود ندارد و قدرت معطوف به تمشیت تغییرات جامعه نیست بلکه درصدد نفی تغییرات اجتماعی است که زندگی نسل جدید اقتضا می‌کند. به همین دلیل این محدودیت به سبک زندگی نیز اعمال می‌شود و افراد احساس می‌کنند وجود آن‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود. این وضعیت به بیگانگی سیاسی دامن‌زده و حکومت را به مانع

برنامه‌های فردی و جمعی بدل کرده است. از این جهت امید به اصلاح وضعیت هم از میان رفته و تنها راه باقی‌مانده، تغییرات ساختاری سیاسی است.

تغییر سیاسی به مناسبات همجوار آن نیز سرایت کرده و ارزش‌های مقوم سیاست از جمله دین و فرهنگ نیز هم‌مطراز سیاست ناکارآمد شده‌اند لذا در تغییر سیاسی گروهی شایسته‌ی جایگزینی معرفی می‌شوند که با مناسبات بنیانی این سیاست یعنی دین و ارزش‌ها هم مخالف هستند. با این همه پاسخگویان از وضع امنیت رضایت داشتند و عموماً احساس امنیت داشتند اما وضعیت اقتصادی را عامل احساس ناامنی خود معرفی می‌کردند. می‌توان گفت امنیت انتظامی در نزد پاسخگویان وجود دارد اما امنیت اقتصادی و اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد.

مقوله‌ی سوم: شهروندی

مجموعه گزاره‌هایی که ذیل مقوله‌ی کلان شهروندی قابل دسته‌بندی هستند، احساس پاسخگویان در زمینه‌های سبک زندگی، منزلت، حقوق و تکالیف متوازن شهروندی را بازگو می‌کند. در پرسش از چرایی تمایل به مهاجرت، پاسخ‌های مربوط به مناسبات شهروندی به تکرار مورد اشاره قرار می‌گرفت. آشکار است گزاره‌های مربوط به شهروندی در پیوند با مقوله‌ی سیاست و تلقی از ایران قابل تحلیل است.

جدول ۴: گزاره‌ها و مفاهیم مقوله‌ی شهروندی

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
شهروندی	سبک زندگی تحمیلی	در ایران فضای جمعی مثل بار نیست. هرجا می‌رویم فاطی کماندوها هستند. با حجاب مشکل دارم. سر حجاب خیلی اذیت می‌کنند. اینجا من خود واقعی‌ام نیستم. [پاسخگوی تراجنس] ممکنه هر لحظه گشت منو بگیره. [پاسخگوی تراجنس] به پوشش ما گیر میدن. دوست دارم تنهایی زندگی کنم اینجا ممکن نیست. دوست ندارم حجاب داشته باشم. روی حجاب بیشتر از همه چیز حساسیت هست.
	نفی تکرر/ ارزش‌های محدود کننده	با ارزش‌های قلابی این مملکت همدلی ندارم. در مدرسه هم اذیت می‌شم. شغل من تنو آرتیسته که اینجا جرم محسوب می‌شود. چارچوب‌های شخصی من با جامعه همخوانی ندارد. به دین اعتقاد ندارم. بیشتر پایبند اخلاق هستم. از کودکی امکان پی‌گیری علاقه‌ام را نداشتم. وقتی پول نداری منزلتی هم نداری. در ایران فشن جای کار ندارد.
	تبعیض شهروندی	ارزش‌های موجود را قبول ندارم. کسی که سهمیه داره راهش نزدیکتره ما باید بیشتر بدویم. به پسران جوان سوءظن بی‌دلیل وجود دارد.

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
شهروندی		کسی که نماز می‌خونه برای خودش می‌خونه نباید امتیازی باشه براش. زحمت می‌کشی ولی محدود هم هستی.
	تبعیض جنسیتی	اینجا توی خیابان احساس امنیت نمی‌کنم. حقوق شهروندی بخاطر جنسیت محدود است. دخترها در تنگنا هستند و امکانات برایشان فراهم نیست. فضای کار هنری برای دختران محدود است. ما [زنان] دوچرخه و موتور نمی‌توانیم سوار شویم.
	فقدان حقوق شهروندی	حقوق شهروندی رعایت نمی‌شه مخصوصاً در ادارات. احساس تبعیض می‌کنم. احساس امنیت نمی‌کنم. احساس محدودیت می‌کنم. نابرابری شدیدی در کشور داریم. تبعیض و نابرابری آزارنده است. منزلت آدم اینجا رعایت نمی‌شه. همه جا تبعیض هست نه به اندازه ایران. آزادی کافی ندارم.
	عدم احترام به حریم شخصی	در ایران به فکر و حریم شخصی آدم تجاوز می‌کنند. به عقاید شخصی آدم‌ها احترام گذاشته نمی‌شود. منزلت هیچ کس در ایران رعایت نمی‌شه. در محل کار منزلت داری ولی در جامعه نه.
	بیگانگی	اینجا همه چیز هم داشته باشی احساس می‌کنی تلف شده‌ای. به لحاظ عاطفی اینجا نمی‌شود به کسی اعتماد کرد. احساس مفید بودن نمی‌کنم.

توصیف مصاحبه‌شوندگان از مناسبات شهروندی، بر سبک زندگی تحمیلی به عنوان مفهومی مهم تأکید می‌کند. این مفهوم به یک منظومه معنایی دلالت دارد که حاکی از شکاف میان پاسخگویان به عنوان نسل جوان با ارزش‌های رسمی است. این مسأله نزد زنان شدیدتر است که خود معنایی تازه به مفاهیم این مقوله می‌بخشد. نسل جوان با ارزش‌های رسمی همراهی ندارد اما این وضعیت نزد زنان به فاصله میان آن‌ها با ارزش‌های رسمی و برخی ارزش‌های عرفی هم دلالت دارد. زنان برخی محدودیت‌های خود را نه فقط به ارزش‌های رسمی بلکه به عرف جامعه نیز نسبت می‌دهند. از سوی دیگر تبعیض میان طیفی از شهروندان با همدیگر برقرار است که به فاصله میان حکومت و جامعه راجع است. مفاهیمی مانند عدم احترام به حریم شخصی و بیگانگی از خود و جامعه نیز پیامد نفی تکرر و سبک زندگی رسمی است که مصاحبه‌شوندگان آن را با زبان خود بیان کرده‌اند.

مقوله‌ی چهارم: دلایل مهاجرت

مقوله علت مهاجرت، هسته‌ی سایر مقولات در تبیین تمایل جوانان کرمانشاه به مهاجرت است. مهمترین دلیل مهاجرت جوانان که در همه مصاحبه‌ها تکرار شده است، اقتصاد است. اگرچه در مقوله اقتصاد نیز عناصر مهمی هستند که این مفهوم را توضیح می‌دهند. حتی وقتی مسائل سیاسی یا اجتماعی را به عنوان دلیل مهاجرت خود ذکر می‌کنند، اقتصاد را عامل نارضایتی از سایر مناسبات معرفی می‌نمایند. در عامل اقتصادی نیز مهمترین ضعف اقتصادی را بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری وضعیت ارزیابی می‌کنند.

جدول ۵: گزاره‌ها و مفاهیم مقوله‌ی دلایل مهاجرت

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
دلایل مهاجرت	ناکارآمدی اقتصادی	چندین بار کار اقتصادی کرده‌ام اما ضرر کرده‌ام. در بورس خیلی ضرر کردم. اقتصاد اونطرف خیلی بهتره. برای خواسته‌هایم تلاش کردم ولی نرسیدم. شرایط اقتصادی علت اصلی مهاجرت است. همه دغدغه اقتصاد دارند، فرهنگ مهم نیست. اینجا جای زندگی نیست. شرایط اسفناک جامعه. علت مهاجرت اقتصاد است مسأله بعدی فرهنگ. نابرابری اقتصادی. نبود رفاه. تحریم. یافتن شغل. نابرابری و تبعیض مهمترین دلیل من برای مهاجرت.
	دستمزد پایین	دستمزد پایین. پول درآوردن در ایران سخته [کار می‌کنی ولی درآمد کافی نیست] نبود حداقل‌های زندگی. نمی‌تونی به ازدواج، ماشین و خانه فکر کنی. وقتی یک سال کار می‌کنی ولی یک مسافرت نمی‌توانی بروی انگیزه‌ای نمی‌ماند. گرانی مهمترین مسأله است. وضعیت اقتصادی اینجا همه چیز را به حسرت بدل کرده است. کاهش ارزش پول از همه چیز مهمتره. تلاش زیاد ولی زندگی معمولی. درآمد موجود نیازهایت را تأمین نمی‌کند. در اولیات زندگی مانده‌ایم اینجا.
دلایل مهاجرت	ترس از آینده	استرس آینده مهمترین علت مهاجرت. برای تضمین آینده می‌خوام مهاجرت کنم. ابهام آینده. در ایران به چیزی نمی‌رسی. یک دنیای بی استرس. عدم اطمینان شغلی. ۱۵ ساله اینجا کار می‌کنم به جایی نرسیدم. ایران هرچقدر تلاش کنی درجا می‌زنی. چیزهایی که می‌خواهم اینجا نمی‌توانم داشته باشم. ترس از آینده در ایران.
	بی‌ثباتی	نوسان قیمت. فشار دولت روی مردم. افزایش اجاره خانه. چون روز به روز فقیرتر می‌شویم. تورم که خودش باعث بی‌عدالتی میشه.

مقوله	مفاهیم	گزاره‌ها
		بی‌ثباتی قیمت‌ها. در ایران به چیزی که می‌خوام نمی‌رسم. سرخوردگی و یأس.
	خودشکوفایی	دخترها نمی‌توانند در مشاغل دلخواهشان مشغول کار شوند. سنت‌های مزخرف زیادی هست. دنیا کسب تجربه جدید هستم. فقط می‌خوام فرار کنم. اینجا فضای کار تحقیقاتی فراهم نیست. محدودیت در کارهای هنری. دستیابی به اهداف در خارج راحت‌تر است. محدودیت‌های ساختاری علت مهاجرت. زندگی در ایران فقط گذران عمره. دسترسی به فکر باز و رهایی از محدودیت‌های اینجا. پیوند با جامعه هنری جهانی. تنها مشکل اقتصادی نیست، فرهنگ ما هم مشکل دارد.

عدم پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی، باعث اضمحلال بزرگترین رویای جوانی یعنی برنامه‌ریزی برای آینده است. عدم امکان برنامه‌ریزی نیز معلول بی‌ثباتی است که منشأ اصلی آن تغییرات اقتصادی شدید است که در قالب تورم، نوسان قیمت، از دست رفتن ارزش پول و بی‌ارزش شدن پول ملی تجلی می‌یابد. اساساً تغییرات شدید اقتصادی ایستارهای ذهنی انسان‌ها را دستخوش تلاطم و تصمیم‌گیری را مختل می‌کند. ناتوانی در فهم و کنترل وضعیت همان حالتی است که با مفهوم استرس بیان می‌شود. به همین دلیل از مهمترین دلایل مهاجرت مصاحبه‌شوندگان استرس آینده است. وقتی بالاکلیفی و عدم اطمینان از آینده با احساس بی‌قدرتی در برابر شکاف تورم و دستمزد تلاقی می‌کند، برای افرادی که پشتوانه‌ای برای مقاومت در برابر وضعیت ندارند، احساس رهاشدگی همه وجوه زندگی آن‌ها را فرا می‌گیرد. گذشته افراد که به شکل پس‌انداز درآمد با تورم از میان رفته و چشم‌اندازی برای آینده هم متصور نیست زیرا دستمزدهای پرداختی کفاف زندگی عادی را نمی‌دهد چه رسد به اینکه بتوان با آن رویاپردازی و خودشکوفایی کرد. در چنین وضعیتی مناسبات سیاسی و فرهنگی نیز از کارافتاده به نظر می‌رسد و مهاجرت تنها راه رهایی از این تنگنا مطرح می‌شود. در واقع تورم پایه‌های همه باورها و ایستارهای افراد را سست می‌کند و مهاجرت به مثابه فرار موضوعیت پیدا می‌کند.

مقوله‌ی پنجم: هدف از مهاجرت

اهمیت مقوله‌ی هدف از مهاجرت - بجز داده‌هایی که ارائه می‌کند- در تأمین اعتبار درونی تحقیق است. اگر هدف از مهاجرت با داده‌ها و تحلیل‌های مقولات پیشین سازگار باشد، ضامن اعتبار تحلیل‌های ارائه شده می‌شود. در مقولات «علت مهاجرت»، «تلقی از ایران» و «سیاست» توصیفاتی از وضع موجود و متغیرهای مهاجرتی جوانان کرمانشاه به‌دست داده شد. در مقوله‌ی هدف مهاجرت پرسش این است که شما در خارج از کشور به دنبال چه هستید و چه به‌دست می‌آورید؟ پاسخ‌ها را می‌توان در دو مفهوم رفاه مادی و رهایی دسته‌بندی کرد. این دو مفهوم و گزاره‌هایشان چیزهایی هستند که جوانان در جستجوی آن‌ها مهاجرت می‌کنند.

جدول ۶: گزاره‌ها و مفاهیم مقوله‌ی هدف از مهاجرت

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
هدف از مهاجرت	رفاه مادی	رفاه و آسایش بدون ترس از آینده. آرامش بیشتر. رفع دغدغه. آینده شغلی. شغل خوب، درآمد خوب. آرامش و زندگی بی‌دغدغه و استرس. مهاجرت بهره‌وری از وقت رو بیشتر می‌کنه. نیازهای اولیه بعد از مهاجرت آرزو نیست. پیشرفت و تکامل در حرفه خودم. درآمد بیشتر. پیشرفت در رشته ورزشی خودم. دستیابی به فرصت‌های بیشتر. رسیدن به ثبات مالی.
	رهایی و خودشکوفایی	به محض مهاجرت اول آزادی به‌دست می‌آورم. کلاً خود مهاجرت خوبه. رهایی از شرایط موجود بعدش هرچه شد، شد! تجربه جدید. اونجا غربته به هر حال سختی‌های خودشو داره ولی می‌ارزه. شکوفایی خودم. توسعه شخصی. تجربه زندگی بهتر. با مهاجرت راحت‌تر به خواسته‌هام می‌رسم. حداقل برای حجاب کتک نمی‌خورم.

در مقایسه‌ی مقوله‌ی هدف از مهاجرت با مقوله‌ی علت مهاجرت می‌توان رفاه مادی را عامل اصلی مهاجرت جوانان ارزیابی کرد. رفاه مادی و رهایی و خودشکوفایی دو مفهوم کاملاً جدا از هم نیستند و اگر رفاه مادی فراهم می‌تواند با کنترل بر فرایندهای زندگی و برنامه‌ریزی برای آینده خودشکوفایی را نیز تحقق بخشید. بر این اساس مصاحبه‌شوندگان مفهوم خودشکوفایی را پیامد رفاه می‌دانند. این تحلیل از مقایسه‌ی سایر مقولات تحقیق با مقوله هدف از مهاجرت بر می‌آید؛ «وقتی پول و کار نداری، منزلت هم نداری». این وضعیت در مورد بخشی از زنان مصاحبه‌شونده کمی متفاوت است. برخی از زنان پاسخگو معتقدند «حداقل اونجا بخاطر حجاب کتک نمی‌خوری» لذا در مورد این بخش از پاسخگویان عامل منزلت و احترام بخشی از هدف مهاجرت و لذا علت تمایل به ترک ایران از سوی آن‌است.

بر این مبنا با توجه به تیپ‌شناسی مهاجرت‌ها که اقتصادی یا فرهنگی هستند، در مورد زنان کرمانشاه بجز عامل اقتصادی، یک دلیل فرهنگی نیز در کار است که مهاجرت زنان را متفاوت می‌کند که مردسالاری فرهنگی تا حدی آن را توضیح می‌دهد. با این همه باید تمایز طبقاتی مهاجران را نیز در نظر داشت؛ مهاجرت با معنایی که در این تحقیق به‌دست داده شده عملی است که از طبقه متوسط سر می‌زند زیرا طبقه بالا همیشه مهاجرت می‌کرده و طبقه پایین اساساً مفهوم مهاجرت را در ذهن ندارد زیرا تخصص و توان

آن را ندارد لذا به آن فکر هم نمی‌کند. بنابراین آزادی حجاب و سبک زندگی نیز تا حدی تقاضای طبقه متوسط بالاست و در تفسیر آن این نکته اهمیت بسیار دارد.

مقوله‌ی ششم: تلقی از خارج

مقوله‌ی تلقی از خارج روشن‌گر سایر مقولات مورد بررسی در این تحقیق است. از طرفی معنای ذهنی مصاحبه‌شوندگان به عنوان بخشی از جوانان کرمانشاه را آشکار می‌کند و از سوی دیگر بنیان ذهنی تمایل به مهاجرت را نشان می‌دهد. با توجه به مقصد مهاجرت که عموماً کشورهای اروپایی و آمریکایی هستند می‌توان این تلقی از خارج را وصف این کشورها دانست. مقوله‌ی تلقی از خارج تصویری که از اروپا و آمریکا در ذهن جوانان ایرانی وجود دارد را آشکار می‌کند. تصویری اغراق‌شده و دور از واقعیت با نادیده گرفتن کلیت مناسبات جاری در سطح ملی و بین‌المللی است.

جدول ۷: گزاره‌ها و مفاهیم مقوله‌ی تلقی از خارج

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
تلقی از خارج	سطح بالای زندگی	بهشتی که در قرآن توصیف شده در سوئیس. اونجا با کارگری بیشتر از ایران پول در میاری. فرصت برای پیشرفت اونجا فراهم‌تره. دستمزد یک روز کار اونجا به اندازه دستمزد یک ماه کار در ایران است. اونجا لاقل متناسب با کارم درآمد دارم. دوستان پناهندگی رفتن الان درآمدشون از حقوق کارمند بانک اینجا بیشتره. نصف تلاش اینجا رو خارج بکنم زندگیم تأمین میشه. درآمد شغلی در خارج خیلی بهتره. مردم اونجا موفق‌تر هستن. کسانی که مهاجرت کردند خیلی پیشرفت کرده‌اند. بستر پیشرفت اونجا فراهمه. دوستم از وقتی مهاجرت کرده پول هم می‌فرسته ایران. هرکس مهاجرت کرده وضعش بهتر شده. امکانات خوشبختی خارج بیشتره با وجود مشکلات خاص خودش. اونجا دغدغه خونه ماشین و آزادی ندارن. سطح رفاه ایران با اونجا قابل مقایسه نیست.
	ثبات	اونجا ثبات دارند، امکان برنامه‌ریزی هست. مردم اونجا آینده دارن و دغدغه ندارن. اونجا هم دغدغه هست ولی اولیات زندگی تأمینیه. ثبات دارد.
	تکثر	فرهنگ اروپا از ایران بالاتره. اونجا به استعداد افراد بها می‌دهند. اونجا فشارهای شخصی و سیاسی اینجا را ندارن. اونجا دغدغه خونه ماشین و آزادی ندارن. زندگی تنهایی دختر در خارج سخت نیست.

مقوله‌ی تلقی از ایران در مقایسه با این مقوله معنای روشن‌تری می‌یابد؛ ایران کشوری با مناسبات ناکارآمد و ضعیف در وجه اقتصادی که تصویر سایر مناسبات از جمله سیاست و فرهنگ را نیز تحت شعاع قرار داده است. در مقابل، «خارج» به شکل عام به لحاظ اقتصادی کارآمد که سامان‌های جمعی آن در خدمت سعادت فردی قرار دارند. مقصود از خارج نیز عموماً کشورهای غربی و اروپا و امریکاست که با اقتصاد روبه رشد سطح زندگی بالایی برای شهروندان تأمین می‌کنند.

فارغ از درستی این قضاوت در مورد مبدأ و مقصد مهاجرت، خود این تصور حاصل نظم کلان بین‌المللی و تقسیم کار میان مرکز و پیرامون نظام جهانی است. کشورهای مرکز با فرادستی اقتصادی تصویر مطلوب از خود را نیز ترویج می‌دهند و کشورهای پیرامون با فرودستی اقتصادی توان تغییر این نظم ذهنی را هم ندارند. این مناسبات تنها بخشی از زهکشی سرمایه از پیرامون به مرکز است؛ پیرامون، هم بازار محصولات مرکز است و هم منبع تأمین نیروی کار و منابع طبیعی. این وضعیت البته با مناسبات فرهنگی و با ابزار تبلیغات توجیه می‌شود.

مهمترین مطلوب مصاحبه‌شوندگان در خارج، سطح بالای زندگی است که با توجه به بحران اقتصادی ایران، کیفیت چشمگیری محسوب می‌شود. با توجه به بحران اقتصادی درازمدت ایران بعد از یک دوره رونق و بهبود شاخص‌های زندگی، این بحران اثر بیشتری دارد و به همین دلیل مهاجرت به مثابه ایده‌ی رهایی‌بخش برای کشورهای پیرامون با تعابیر مختلف تبلیغ می‌شود.

تبیین

در تحقیقات کیفی، توصیف فربه سطحی از تبیین است. با مرور مقولات و مفاهیم و گزاره‌های آن‌ها که ترتیبی نظری دارند می‌توان نوعی تبیین از گرایش و تمایل جوانان کرمانشاه به مهاجرت را مشاهده کرد. مرور این مفاهیم و مقولات در نسبت با هم و توضیح دلالت‌های آن‌ها تکمیل تبیین مهاجرت جوانان کرمانشاه است.

مقوله‌ی «دلایل مهاجرت» را می‌توان مقوله‌ی مرکزی این تحقیق در نظر گرفت که سایر مقولات دلالت‌های آن را تشریح می‌کنند. مقوله‌ی دلایل مهاجرت با مفاهیم اقتصادی قوام می‌یابد؛ «دستمزد پایین»، «تورم»، «بی‌ثباتی»، «ترس از آینده» و «ناکارآمدی اقتصادی» مهمترین آن‌ها هستند. مفهوم «خودشکوفایی» نیز با ارجاع به دلالت اقتصادی معنا می‌یابد. بنابراین عامل اقتصادی حلقه اول زنجیره دلایل تمایل جوانان کرمانشاهی به مهاجرت است. در تدقیق عامل اقتصادی باید در نظر داشت در این مفهوم نیز حلقه اول، «نوسان و بی‌ثباتی» است که امکان «برنامه‌ریزی» را از بین می‌برد و به «ترس از آینده» دامن می‌زند که در نهایت «ناکارآمدی اقتصادی» را توجیه می‌کند. از میان دلایل مهاجرت، توصیفاتی که از اقتصاد به دست داده شده با مقوله‌ی «تلقی از ایران» پیوند می‌یابد؛ مهمترین ابعاد توصیف از وضعیت ایران با مفاهیم «نابرابری»، «ضعف اقتصادی»، «ناکارآمدی» و «فقدان شایسته‌سالاری» هستند که دلالت‌های اقتصادی دارند.

باید افزود در این پژوهش آنچه به عنوان اقتصاد به عنوان یک مفهوم مدنظر است از معنای مرسوم این واژه فراتر می‌رود. اقتصاد به عنوان تمشیت زندگی در پیوند با سایر وجه زندگی اجتماعی است بنابراین هم ایستارهای ذهنی را در بر می‌گیرد چنانکه بی‌ثباتی اقتصادی به استرس و ترس از آینده دامن می‌زند و هم قضاوت درباره فرهنگ و سیاست را تعیین می‌کند. سیاست اگر در تمشیت زندگی کارآمد باشد مشروعیت خواهد داشت و مناسبات فرهنگی خود برآمده از نظم اقتصادی است و بی‌ثباتی در اقتصاد به آشفتگی در فرهنگ نیز منجر می‌شود.

به همین دلیل توصیف «سیاست» نیز بر اساس عملکرد اقتصادی انجام شده است زیرا مفاهیم این مقوله به نوعی تعلیل وضعیت اقتصادی است؛ «نفی تکرر»، «فقدان تخصص»، «ضرورت اصلاح ساختاری» و «فاصله جامعه و حکومت». این حکم از مفروضات

نظری در علم سیاست است که کارآمدی یکی از عناصر مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی است. در مورد جوانان کرمانشاه نیز با تحلیل مصاحبه‌ها، همین رابطه تأیید شده است. سایر مفاهیم مقوله‌ی «سیاست» از جمله «انسداد سیاسی» و «فقدان آزادی بیان» یا «انحصار سبک زندگی» نیز بخاطر ناکارآمدی اقتصادی نظم مستقر بیان شده است. در واقع نظم سیاسی اجازه تغییر مناسبات بر اساس مقتضیات واقعی زندگی را مسدود کرده است. اینجا معضله‌ی نظری نسبت سیاست و اقتصاد مطرح می‌شود که بحث روز در ایران نیز هست؛ در وضعیت موجود، شأن علی با اقتصاد است یا سیاست؟

عامل اقتصادی با توضیحات پیش گفته در سایر مقولات نیز حضور دارد. در مقوله‌ی شهروندی «نفی تکثر»، «تبعیض جنسیتی و شهروندی» و «بیگانگی» دلالت‌های اقتصادی دارند. بخشی از احساس تبعیض و احساس طرد که با مفهوم نفی تکثر بیان می‌شود بواسطه‌ی سهم ناچیز از فرصت‌های اشتغال است که به شکل نابرابر توزیع شده‌اند. در مورد سبک زندگی تحمیلی یا فقدان حقوق شهروندی در مقوله شهروندی نیز مناسبات پیش گفته درباره نقش سیاست برقرار است.

مقوله‌ی موانع مهاجرت را می‌توان با ارجاع به مقوله دلایل مهاجرت تفسیر کرد. چنانکه دلایل مهاجرت اقتصادی هستند، مانع مهاجرت نیز کارآمدی اقتصادی است. «تغییرات ساختاری» و «حداقل‌های زندگی» به عنوان مانع مهاجرت به توزیع منابع اقتصادی ارجاع دارند. در واقع تقسیم کار در ایران با رشد نیروهای تولید نیازمند بازنگری است اما مناسبات مستقر اقتصادی با توجیهات سیاسی و فرهنگی از تغییر آن جلوگیری می‌کند تا انحصار بر منابع ثروت و قدرت را حفظ کند. بر همین قیاس می‌توان مقولات «هدف از مهاجرت» که رفاه عامل اصلی آن است و مقوله‌ی مقصد مهاجرت که «سطح زندگی» مهمترین معیار آن است را با معیار فوق تحلیل کرد.

تا اینجا تحقیق بر عوامل داخلی تعیین‌کننده مهاجرت از نظر مصاحبه‌شوندگان تمرکز داشت اما مقوله‌ی «تلقی از خارج» متغیر مهم دیگری را وارد تحلیل می‌کند؛ متغیر مناسبات بین‌المللی. مصاحبه‌شوندگان توصیفی از «خارج» به‌دست می‌دهند که تصویری بی‌نقص از زندگی است. گرچه پاسخگویان از مشکلات کشورهای مقصد آگاهی دارند اما با معیارهای خود از جمله دستمزد و سطح زندگی آن را مطلوب ارزیابی می‌کنند. این تعبیر خالی از واقعیت نیست اما به ترتیبات و سلسله‌مراتب کشورها در نظم بین‌المللی اشاره دارد.

اگر بر اساس متون نظری عوامل داخلی یا «دافعه مبدأ» و عوامل خارجی یا «جاذبه مقصد» را برای تحلیل داده‌ای این مقوله به کار بگیریم، مقولات «تلقی از ایران»، «سیاست» و «شهروندی» دافعه‌های مبدأ و مقوله‌ی «تلقی از خارج» و «مقصد مهاجرت»، جاذبه مقصد هستند.

به این ترتیب مهاجرت جوانان کرمانشاه را می‌توان در دو سطح ملی و بین‌المللی تبیین کرد. در سطح ملی، عناصر و مؤلفه‌هایی که با توزیع نابرابر منابع و فرصت‌های اقتصادی، ایستارهای ذهنی را به سمت «اتوپیا» سوق می‌دهد و در سطح بین‌المللی مناسباتی که یک اتوپیا را ترسیم کرده و افراد رانده شده را به خود جذب می‌کند.

با این اوصاف می‌توان گفت مهاجرت جوانان کرمانشاه در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی قابل تبیین است و هر راه کار محلی لاجرم باید موضع خود در قبال مناسبات ملی و بین‌المللی را روشن کند. موضوعات اجتماعی از جمله مهاجرت در تاروپود مناسبات صلب ساختاری تنیده شده و تغییر آن بدون توجه به این روابط امکان‌پذیر نیست. مهاجرت اتوپیای دوران معاصر است و این ایده بسیاری را در سراسر جهان افسون کرده و تغییر آن به راحتی امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

مهاجرت پدیده‌ای چند وجهی است و از این جهت با سایر مناسبات مستقر پیوند وثیق دارد. می‌توان گفت به واسطه‌ی پیوندهای متکثر با پدیده‌های خرد و کلان، دماسنج وضع موجود و راهنمای جهت تغییرات آتی است. خاصه در این تحقیق که جوانان طبقه

متوسط موضوع مطالعه‌ی آن هستند، ذهنیت آن‌ها درباره وضع موجود امکان پیش‌بینی سامان جمعی آینده را فراهم می‌کند. نوجوانان رویکردی عمل‌گرایانه به مفاهیمی نظیر وطن، خوشبختی و زندگی دارند و معیارهای جهان‌شمول برای ارزیابی خود و محیط اطراف به کار می‌گیرند.

از این جهت وطن برای آن‌ها جایی است که امکانات برابر برای توسعه شخصی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و سیاست و اقتصاد مطلوب، مناسباتی است که نیازهای زندگی جدید را برای آن‌ها تأمین کند. جوانان بزرگسال بیشتر با مفاهیم مرسوم پیوند دارند و وطن و خانواده هنوز معنای سنتی را برای آن‌ها افاده می‌کند و به نظر می‌رسد نسل واسط برای تغییرات نزدیک محسوب می‌شوند. مهاجرت اساساً هم در سطح ذهنی و هم در سطح عینی امکانی خاص طبقه متوسط است. طبقه بالا همواره امکان مهاجرت را داشته و برای او اقدامی تازه نیست و تعداد آن حساسیت‌برانگیز نیست زیرا سرمایه مقید به وطن نیست. برای طبقه پایین نیز مهاجرت جزو راه‌حل‌های ذهنی یا امکان عینی نیست و توان آن را ندارد (پناهندگی مقوله‌ای جدای از مهاجرت با معنای مدنظر این تحقیق است و تازه همان هم بخشی از امکانات ذهنی و عینی طبقه پایین نیست). طبقه متوسط به واسطه اینکه ذهنیات او همواره جلوتر از امکان عینی‌اش است، مهاجرت را به عنوان امکان تغییر در نظر می‌گیرد. بنابراین آنچه از تمایل جوانان به مهاجرت گفته می‌شود متعلق به طبقه متوسط کرمانشاه است که البته اقشار مختلف آن‌ها تفاوت‌های مهمی در نوع مهاجرت دارند. در این تحقیق نیز گروه کوچکی مهاجرت را به دلایل غیر اقتصادی مدنظر داشتند که از قشر بالای طبقه متوسط محسوب می‌شوند.

زنان مورد مطالعه با تفاوت‌های مفروض، همه بر تبعیض جنسیتی در مناسبات موجود اتفاق نظر داشتند. از این جهت زنان احساس بیگانگی بیشتری دارند که آن‌ها را به نیروی بالقوه بازاندیشی نظم مستقر بدل می‌کند. شهر کرمانشاه به واسطه‌ی بازماندگی از توسعه، برخی از علائم نظم کهن را حفظ کرده که در مورد زنان شدیدتر اعمال می‌شود. تا جایی که به موضوع این تحقیق مربوط می‌شود، مهاجرت زنان لایه بالای طبقه متوسط به اقشار پایین‌تر سرایت خواهد کرد و مهاجرت زنان از مردان پیشی خواهد گرفت. اگر بتوان از داده‌های تحقیق فراتر رفت باید افزود مهاجرت مانند همه پدیده‌های اجتماعی امری کلی است و ابعاد متنوعی در آن در کار است. عواملی مانند مناسبات کلان نظم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، وضعیت طبقه متوسط در ایران، ارزش‌های نوپدید فردگرایانه و سیالیت بازار کار از مواردی است که در تحقیقات مشابه تصویر کامل‌تری از پدیده به دست می‌دهد.

منابع

- احمدی، مختار (۱۴۰۲). نرخ بیکاری در کرمانشاه. مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان <https://irna.ir/xjMz5K>
- ادهمی، جمال؛ حسینی، قربان؛ قاسمی، علیرضا و وطن‌پرست، راضیه (۱۳۹۸). روند و جریان‌های مهاجرتی استان مرزی کرمانشاه طی دو دهه اخیر. فصلنامه جمعیت، دوره ۲۶، (۷-۸)، ص ۵۶-۵۳.
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۶). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای). ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اکو ایران (۱۴۰۲). شاخص فلاکت استان‌ها. <https://khabaronline.ir/xkcmD>
- بزرگ‌زاد، سعیده؛ کاظمی پور، شهلا و محسنی، رضا علی (۱۳۹۹). نگرش نخبگان به عوامل اجتماعی اقتصادی و علمی پژوهشی در مبدأ و مقصد و تأثیر آن بر گرایش آنها به مهاجرت خارج از کشور. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۴، (۲۸)، ص ۱۶۹-۱۴۱.
- ذاکرسالاحی، غلامرضا (۱۳۸۶). فراتحلیل مطالعات انجام شده در زمینه جذب نخبگان و پیشگیری از مهاجرت آنان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، (۱)، ص ۱۳۵-۱۱۳.
- رصد خانه مهاجرت ایران (۱۴۰۰). وضعیت شاخص‌های کلیدی مهاجرت در میان اقشار اجتماعی مختلف (براساس پیمایش‌های رصد خانه مهاجرت ایران). <https://imobs.ir/report-detail/show/20>

زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: انتشارات سمت.
فرهادی، محمد و میری، ندا (۱۴۰۲). رابطه بودجه و توسعه استان‌های در ایران. *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. دوره ۱۴، (۵۵)، ص ۱۹۰-۲۱۰.
قمریان، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی نگرش دانشجویان به پدیده مهاجرت (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف و علم و صنعت). *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۱۰، (۲)، ص ۷۷۳-۷۸۸.
مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). گزارش عمومی وضعیت اقتصادی سال ۱۳۹۹. <https://amar.org.ir>

- Adhami, Jamal; Hosseini, Ghorban; Ghasemi, Alireza and Vatanparast, Razieh (2019). Migration trends and flows in the border province of Kermanshah during the last two decades. *Quarterly Journal of Population*, Volume 26, No. 8-7, pp. 56-53. (in Persian)
- Ahmadi, Mokhtar (2013). Unemployment rate in Kermanshah. Director General of the Provincial Cooperative, Labor and Social Welfare Department <https://irna.ir/xjMz5K> (in Persian)
- Bozorgzad, Saeede; Kazemipour, Shahla and Mohseni, Reza Ali (2019). Elites' Attitudes to Socio-Economic and Scientific Research Factors at Origin and Destination and Its Impact on Their Tendency to Migrate Abroad. *Iranian Demographic Association*, Volume 14, Issue 28, pp. 169-141. (in Persian)
- Eco Iran (2013). Misery index of provinces. <https://khabaronline.ir/xkcmD> (in Persian)
- Farhadi, Mohammad and Miri, Neda (2003). Relationship between Budget and Development of Provinces in Iran. *Journal of Welfare Planning and Social Development*. Volume 14, Issue 55, pp. 190-210. (in Persian)
- Ghamarian, Fatemeh (2019). Studying students' attitudes towards the phenomenon of migration (Case study: students of Sharif University of Technology and Science and Technology). *Quarterly Journal of Geography and Regional Planning*, Volume 10, Issue 2, pp. 788-773. (in Persian)
- Iranian Migration Observatory (2000). Status of Key Migration Indicators Among Different Social Strata (Based on Surveys of Iranian Migration Observatory). <https://imobs.ir/report-detail/show/20> (in Persian)
- Statistical Center of Iran (1400). General Report on the Economic Situation of 2019. <https://amar.org.ir> (in Persian)
- Strauss, Anselm and Corbin, Juliet (2017). *Fundamentals of qualitative research (techniques and stages of generating grounded theory)*. Translated by Ebrahim Afshar, Tehran: Ney Publishing House. (in Persian)
- Zakir Salehi, Gholam Reza (2007). Meta-analysis of Studies Conducted in the Field of Elite Attracting and Preventing Their Migration. *Iranian Journal of Sociology*, Volume 8, Issue 1, pp. 135-113. (in Persian)
- Zanjani, Habibollah (2001). *Migration*. Tehran: Samat Publications.
- Azadi, Pooya; Mirramezani, Matin; Masgaran, Mohsen (2020). *Migration and Brain Drain from Iran*. Working Paper 9, Stanford Iran 2040 Project: Stanford University.
- Chiswick, Barry R; Miller, Paul W (2015). *Handbook of the Economics of International Migration*. Vol 1A, Elsevier: Oxford.
- Czaika, Mathias; Reinprecht, Constantin (2022). *Migration drivers: why do people migrate?* In Introduction to Migration Studies. (Ed) peter scholten. Springer: Switzerland
- De Haas, hein; Castels, Stephen; Miller, Mark J. (2020). *The Age of Migration; international population movements in the modern world*. 6th edition. London: Red Globe Press.
- Haas, Hein. De (2021). Theory of migration: the aspirations-capabilities framework. *Comparative Migration Studies*. 9 (8). 2-35.